

چکیده

عده طلاق و فوت شوهر بسته به شرایط زن و ارتباط زوجین متفاوت است. یکی از حالت‌های مهم، باروری مصنوعی است که در آن برخی از شرط‌های ثبوت عده، نظیر دخول یا عقد ازدواج، وجود ندارد. پرسش اصلی این که: آیا عده در باروری‌های پزشکی ثابت است و زمان آن چه مقدار است؟ پاسخ به این سوال از آن جهت ضروری است که ثبوت عده و مدت آن برای خانواده‌های نابارور، زمان جدایی و حدود ارتباط زناشویی را مشخص می‌کند. باروری مصنوعی به اشکال مختلفی از نظر تحقق حمل و نوع تلقیح (با اسپرم شوهر، اسپرم اجنبی، یا جنین اهدایی) صورت می‌گیرد. در راستای پاسخ به این پرسش‌ها، فرض‌های متعددی قابل بررسی است، که شامل گونه‌های مختلفی از قبیل دخول، نوع اسپرم و وضعیت زناشویی است. به منظور تحلیل این موضوع، اسباب عده موجود در آیات و روایات نظیر «زوجیت»، «ماء»، «دخول»، «حمل» و «وفات» بر فروض مختلف تطبیق گردیده‌اند. روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و ارائه آن، به روش توصیفی تحلیلی است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که زوجیت به تنهایی نمی‌تواند مثبت عده باشد و لازم است با عناوینی نظیر «دخول»، «ماء» یا «حمل و دخول» همراه شود. همچنین، با توجه به اینکه در برخی روش‌های باروری نوین، اسباب عده مانند «ماء» یا «حمل» به وضوح مشخص نیست، صدق عباراتی نظیر «العده من الماء» یا «اولات الاحمال» نیز روشن نمی‌باشد. در نهایت عده در برخی حالات مانند تلقیح زن مجرد با اسپرم اجنبی ثابت و در مواردی چون باروری زن شوهردار با اسپرم اجنبی، ثابت نیست.

واژگان کلیدی: باروری پزشکی، تلقیح مصنوعی، عده طلاق، عده وفات، عده باروری‌های نوین.



مقدمه

امروزه با پیشرفت علم پزشکی و ظهور روش‌های نوین باروری مصنوعی، مسائل جدیدی در حوزه فقه و حقوق اسلامی مطرح شده است و این بحث علاوه بر حکم تکلیفی جواز یا عدم جواز آن دارای احکام وضعی مهم و متعددی از جمله نسب، ارث، حضانت، محرمیت و نفقه و سقط و... می‌باشد لذا نیازمند بررسی دقیق و همه‌جانبه می‌باشد و یکی از این مسائل، تعیین حکم «عده» در مورد زنان تلقیح‌شده به روش‌های مصنوعی است. عده به عنوان یک حکم شرعی، نقشی اساسی در حفظ نسل، اطمینان از پاکی رحم، و جلوگیری از اختلاط نسب‌ها دارد و از مهم‌ترین شروط آن در نصوص شرعی می‌توان به زوجیت شرعی، دخول، حمل، ورود آب به رحم، وطی به شبهه و غیره اشاره کرد. با گسترش استفاده از تکنیک‌های باروری مصنوعی، وضعیت عده زنانی که به این روش بارور می‌شوند، به‌ویژه در شرایطی که زوجیت شرعی یا دخول صورت نگرفته باشد، موضوعی قابل تأمل و نیازمند تحقیق جدی است.

سؤال اصلی این پژوهش بررسی تطبیقی ثبوت یا عدم ثبوت عده زنان تلقیح‌شده به روش مصنوعی و تعیین مقدار عده در فرض‌ها و روش‌های مختلف است. این سؤال به‌ویژه در مواردی مانند بارداری زن شوهردار با اسپرم مرد بیگانه، یا زنان مجرد که از طریق ازدواج موقت و تلقیح مصنوعی باردار شده‌اند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. آیا در این موارد عده ثابت می‌شود؟ اگر عده ثابت شود، مدت زمان آن چقدر است؟ بررسی این مسائل با استفاده از ادله شرعی و فقهی و تطبیق آن بر فروض مختلف، هدف اصلی این پژوهش است.

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که روش‌های باروری مصنوعی، به‌ویژه در شرایط ناباروری، روزبه‌روز در حال گسترش است و بسیاری از افراد با مسائل شرعی مرتبط با این موضوع مواجه می‌شوند. تعیین احکام دقیق و همه‌جانبه در این زمینه، نه تنها به رفع ابهامات فقهی و حقوقی کمک می‌کند، بلکه راهکارهای عملی برای مواجهه با مشکلات روز جامعه ارائه می‌دهد. به‌ویژه در مواردی که زن شوهردار با اسپرم مرد بیگانه تلقیح شده یا زنی که از طریق ازدواج موقت و تلقیح مصنوعی باردار شده است، و ثبوت یا عدم ثبوت عده در موارد متعدد تأثیرات واقعی اجتماعی و روانی بر خانواده دارد بنابراین تعیین حکم عده می‌تواند تبعات حقوقی و خانوادگی

مهمی داشته باشد.

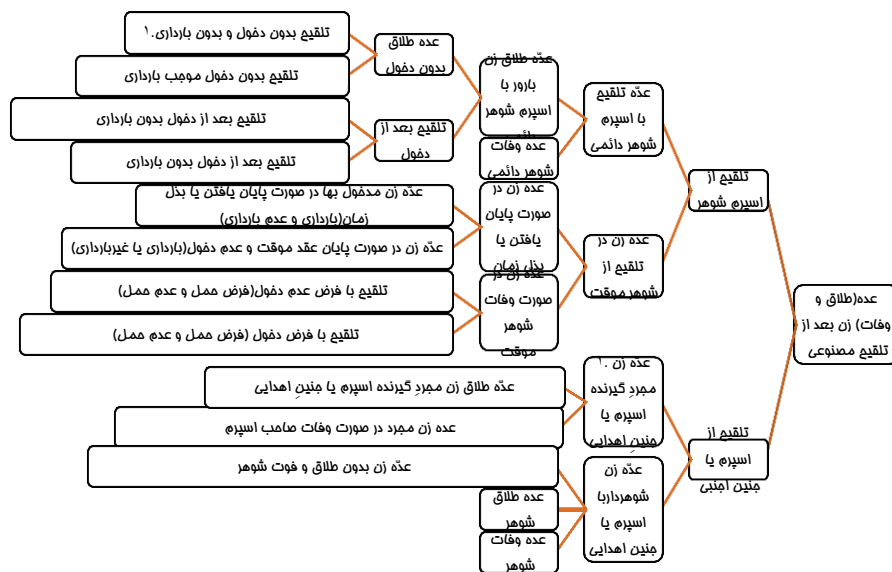
پیشینه پژوهش در این زمینه محدود است. برخی از آثار مانند کتاب «وسائل الانجاب الصناعیه» نوشته سید محمدرضا سیستانی و «تلقیح مصنوعی در آئینه فقه» اثر سید اصغر ناظم‌زاده، به صورت اجمالی به موضوع تلقیح مصنوعی پرداخته‌اند؛ اما بررسی دقیق و تفصیلی مسئله عده و ارائه فروض مختلف در این آثار وجود ندارد. تنها مقاله‌ای که به طور خاص به عده زن تلقیح‌شده پرداخته است، مربوط به سید محسن مرتضوی است؛ با این حال، این مقاله نیز به دلیل نقص در تحلیل موضوعات و عدم بررسی برخی فروض مهم، پاسخگوی نیازهای علمی جامعه امروزی نیست. بعلاوه اینکه از نظر نتیجه حکم عده و تحلیل‌های استدلالی با این نوشتار متفاوت می‌باشد.

نوآوری این پژوهش در ارائه یک تحلیل جامع و دقیق از ادله شرعی و فقهی مربوط به عده زنان تلقیح‌شده به روش مصنوعی است. در این تحقیق، همه فروض ممکن، از جمله حالت‌های ازدواج دائم و موقت، بارداری و عدم بارداری، و تلقیح با اسپرم شوهر یا مرد بیگانه، به صورت دقیق بررسی شده و با استناد به نصوص شرعی، حکم هر فرض مشخص گردیده است. همچنین، این پژوهش به طور خاص به مسائل عملی و کاربردی مرتبط با ناباروری، ازدواج موقت، و وضعیت زنان مجرد پرداخته و راهکارهایی برای رفع مشکلات این حوزه ارائه کرده است.

در پایان، این پژوهش با تبیین دقیق موضوع، پاسخ به پرسش‌های اصلی، و ارائه راهکارهای شرعی، گامی نوین در تبیین احکام مرتبط با باروری مصنوعی برداشته و به عنوان مرجعی بدیع و جامع در این زمینه قابل استفاده خواهد بود.



جدول تقسیمات مختلف باوری یزشی



گفتار اول : عده تلقیح با اسپرم شوهر

دائمی یا موقت بودن زوجیت میان طرفین، نقش تعیین‌کننده‌ای در ثبوت یا عدم ثبوت عده و همچنین در مقدار آن برای زنانی دارد که از طریق تلقیح مصنوعی باردار شده‌اند. در ازدواج دائمی، عده پس از طلاق زن ثابت می‌شود، در حالی که در ازدواج موقت، ثبوت عده به پایان مدت عقد یا بخشش باقی‌مانده زمان از سوی شوهر وابسته است. به همین دلیل، بررسی این موضوع نیازمند تفکیک و تحلیل دقیق در دو بخش مجزا است؛ یکی مربوط به نکاح دائمی و دیگری مربوط به نکاح موقت، تا تأثیر نوع زوجیت بر عده در باروری‌های مصنوعی و احکام مرتبط با آن به صورت علمی و جامع، روشن گردد.

۱. عده تلقیح با اسپرم شوهر دائمی

عده زن نسبت به شوهر دائمی، در فقه به دو دسته عده طلاق و عده وفات تقسیم می‌شود، که احکام مربوط به هر یک در موارد باروری مصنوعی، نیز متفاوت است.

۱-۱-۱. عده طلاق زن بارور با اسپرم شوهر دائمی

در موارد غیر مرتبط با تلقیح مصنوعی، اگر مردی همسر خود را طلاق دهد، حکم عده زن براساس وضعیت وی تعیین می‌شود. در صورتی که زن مدخول بها باشد و باردار نباشد، عده او سه طهر خواهد بود. اما اگر مدخول بها و باردار باشد، مطابق نظر مشهور فقهای امامیه، عده وی با وضع حمل پایان می‌یابد، چه این که وضع حمل پیش یا پس از آن رخ دهد. (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ج ۶، ص ۵۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ ج ۳۲، ص ۲۰۹، امام خمینی، ۱۳۹۹ ج ۲، ص ۳۶۰) در فرض عدم دخول و حامله نبودن زن عده برای زن ثابت نیست (محقق حلی، ۱۴۰۸ ج ۳، ص ۲۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ ج ۳۲، ص ۲۱۱ و ۲۱۲) دلیل عدم ثبوت عده، دلالت آیه شریفه «ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ» (احزاب، ۴۹). (اگر پیش از آن که با آنان - زنان - آمیزش کنید، طلاقشان دادید، دیگر بر عهده آنها عده‌ای نیست) علاوه بر این، مضمون روایت وارد شده در منابع روایی، به‌ویژه عبارت «هنگامی که مردی زنش را پیش از آمیزش طلاق دهد، زن ملزم به رعایت عده نیست و می‌تواند بلافاصله ازدواج کند و طلاق وی نیز تنها با یک طلاق تحقق می‌یابد» (کلینی، ۱۴۱۳ ج ۶، ص ۱۰۸)، به‌صورت آشکار بر این حکم دلالت دارد؛ بنابراین وقوع یا عدم وقوع دخول در ثبوت یا عدم ثبوت عده تأثیرگذار است، این معیار در تعیین عده زن باردار از طریق تلقیح مصنوعی نیز نقش دارد لذا تأثیر قید دخول بر عده زن نابارور در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱-۱. عده طلاق بدون دخول

زن بارور با اسپرم شوهر دائمی خود ممکن است بدون ارتباط و همبستری و دخول، تلقیح صورت گرفته باشد و نیز احتمال دارد که بعد از دخول عمل تلقیح انجام شود؛ از این رو، این دو حالت مساله عده به‌صورت مجزا مورد بررسی فقهی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱-۱-۱. تلقیح بدون دخول و بدون بارداری

در فرض مسئله که دخول از سوی شوهر صورت نگرفته، اما تلقیح مصنوعی (اعم از



داخل رحمی یا خارج رحمی) با نطفه او انجام شده، ولی منجر به بارداری نشده است، با مراجعه به ادله شرعی از جمله آیات قرآن (مانند آیه ۴ سوره طلاق و آیه ۴۹ سوره احزاب) و روایات فقهی (مانند الکافی، جلد ۶، و وسائل الشیعة، جلد های ۱۵ و ۲۲) می‌توان دریافت که ثبوت عده در شرع به شرایطی مانند وجود زوجیت و عقد نکاح، وقوع ازدواج همراه با دخول، ترکیب ازدواج و دخول و حصول بارداری، یا تعلق عده به نتیجه آمیزش (آبِ مرد) منوط شده است. در مواردی نیز عده بر ترکیبی از این شروط استوار است. با توجه به اینکه در این فرض هیچ یک از شرایط مذکور (دخول و بارداری) بجز زوجیتی که به تنهایی مثبت عده نیست، محقق نشده، می‌توان چنین استدلال کرد که دلیل صریحی بر لزوم عده برای زن وجود ندارد، مگر آن که ادله دیگری بر تعمیم حکم دلالت کند.

تنها عبارتی که می‌تواند دلالت بر ثبوت عده برای زن در چنین فرضی داشته باشد، تعبیر «العده من الماء» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۸۴) است بر اساس این تعبیر، ادعا می‌شود که اطلاق «الماء» شامل نطفه یا اسپرم وارد شده به رحم زن از طریق تلقیح مصنوعی نیز می‌شود. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که این اطلاق موجب ثبوت عده برای زن در این فرض خواهد بود لکن در پاسخ چنین استدلال و اطلاقی می‌توان اشاره کرد که: تعبیر «الماء» نسبت به یک عدد اسپرم با انتقال آزمایشگاهی انصراف یا احتمال انصراف دارد لذا این روایت برای این مورد تلقیح مصنوعی نمیتواند مثبت عده باشد.

۱-۱-۱-۲. تلقیح بدون دخول موجب بارداری

در فرض تلقیح با اسپرم زوج و تحقق زوجیت و بارداری، علیرغم عدم وقوع نزدیکی پیش از تلقیح مصنوعی و پس از آن، در صورت وقوع طلاق، آیا استدلال به عدم دخول برای نفی عده صحیح است؟ یا اینکه با توجه به تحقق حمل، عده زوجه، وضع حمل خواهد بود؟ یا آنکه عده، طولانی‌ترین بازه زمانی بین وضع حمل و سه طهر است؟

به نظر می‌رسد اطلاق آیه شریفه «وَأُولَاُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق، آیه ۴) (و زنان باردار، زمان عده آنان تا هنگام وضع حملشان است) هر نوع بارداری، از جمله بارداری

حاصل از تلقیح مصنوعی در زمان زوجیت را در بر می‌گیرد. بنابراین، چنانچه مردی همسر باردار خود را طلاق دهد، عده زن، وضع حمل خواهد بود؛ زیرا بارداری از نطفه همان مرد حاصل شده است.

بر اساس این مبنا، مرحوم محقق حلی در شرایع الاسلام معتقد است: حتی اگر مرد فاقد آلت تناسلی باشد اما بیضه داشته باشد و بارداری همسرش محقق شود، عده زن، وضع حمل است؛ زیرا احتمال انعقاد نطفه با انزال مرد، ولو بدون دخول، وجود دارد. (محقق حلی، ۶۷۶، ج ۳، ص ۲۳) شهید ثانی نیز در شرح این عبارت، صرف انتساب فرزند و حمل به مرد را در بارداری بدون دخول، موجب ثبوت عده می‌داند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق. ج ۹، ص: ۲۱۶). میرزا جواد تبریزی نیز در پاسخ به این پرسش «آیا زن در طلاق رجعی می‌تواند با منی زوجش تلقیح گردد؟» می‌فرماید: این تلقیح از نظر حکم تکلیفی خالی از اشکال نیست؛ ولی اگر انجام شد عده این زن به وضع حمل است (جواد تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۲۸۳ س ۹۵۸). حاصل آن که، با استناد به آیه شریفه، روایات و دیدگاه فقیهان، مشخص می‌گردد که عده این زن، وضع حمل است.

۱-۱-۲. تلقیح بعد از دخول زوج

گاهی اوقات، به دلیل ضعف سلول‌های جنسی زوجین، پس از وقوع نزدیکی و عدم بارداری طبیعی اقدام به باروری پزشکی می‌شود، تا احتمال بارداری افزایش یابد. با توجه به وجود عقد زوجیت و وقوع دخول، پرسش این است که آیا این دو شرط به تنهایی برای اثبات عده پس از طلاق کافی هستند یا خیر؟

۱-۱-۲-۱. تلقیح بعد از دخول بدون بارداری

در فرضی که تلقیح منجر به بارداری نشود، در صورت وقوع طلاق، عده زن همان عده طلاق در حالت عادی (سه طهر) خواهد بود؛ زیرا شرایط لازم -زوجیت و وقوع دخول- محقق شده و مشمول آیه شریفه «وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» (بقره، آیه ۲۲۸)؛ و زنان مطلقه باید

سه پاکی [از عادت ماهیانه] انتظار بکشند» می‌گردد.

۲-۱-۲. تلقیح بعد از دخول با بارداری

در حالت معمول، عده طلاق زن باردار، وضع حمل است و نه سه طهر یا زمان طولانی‌تر. آیه «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق، آیه ۴) بر آیه مربوط به عده سه طهر «وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» مقدم است و با وضع حمل، عده به پایان می‌رسد. (سیوری حلی، ۸۲۶، ج ۲، ص ۷۶۲). حال، اگر بارداری پس از دخول از طریق تلقیح داخل یا خارج رحمی صورت گیرد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا عده طلاق در این حالت، صرفاً سه طهر است یا وضع حمل؟

در این وضعیت، با وجود شرایط سه گانه -زوجیت، دخول و بارداری- به نظر می‌رسد که پس از طلاق، عده سه طهر ثابت باشد. اما در خصوص عده وضع حمل، تنها ابهامی که وجود دارد، نحوه تحقق بارداری است که نه از طریق دخول طبیعی، بلکه از طریق تلقیح آزمایشگاهی صورت گرفته است. با این حال، به نظر می‌رسد اطلاق آیه «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق، آیه ۴) شامل این مورد می‌شود، بنابراین در این فرض، عده، وضع حمل خواهد بود.

۲-۱-۲. عده وفات شوهر

در حالت معمول، عده زن در صورت وفات زوج، مستند به آیه «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره آیه ۲۳۴) مدت چهار ماه و ده روز است. در صورتی که زوجه در زمان فوت همسر، باردار باشد، عده وفات، طبق نظر مشهور فقیهان، «ابعدالاجلین» -طولانی‌ترین زمان بین چهار ماه و ده روز و وضع حمل- خواهد بود؛ اما در صورت تلقیح مصنوعی این مسئله قابل بررسی است که آیا عده وفات زوج همان چهار ماه و ده روز است و تا زمان وضع حمل امتداد نمی‌یابد، یا آنکه همچنان حکم ابعادالاجلین جاری خواهد بود؟



در پاسخ به پرسش یاد شده، می‌توان گفت که آیه ۲۷ سوره قصص، به‌طور خاص مدت عده را برای زنانی که همسرانشان فوت کرده‌اند، چهار ماه و ده روز تعیین می‌کند. از سوی دیگر، اطلاق آیه شریفه «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ؛ و زنان باردار، مدت عده آنان، وضع حملشان است» عمومیت داشته و شامل تمامی زنان باردار می‌شود. در نتیجه با جمع میان مدلول دو آیه بیشترین مدت عده برای زنان مطرح شده در این فرض، بیشترین زمان وضع حمل یا انقضای چهار ماه و ده روز است.

۲: عده زن در تلقیح از شوهر موقت

یکی از فروض نوشتار، بررسی وضعیت زنی است که به دلیل مشکلات جسمی همسرش باردار نمی‌شود و به علت حرمت تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه (نظر مشهور فقیهان؛ رک: قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۳۱۲)، برای باردار شدن از همسرش جدا شده و پس از گذراندن عده طلاق، با مرد دیگری ازدواج موقت می‌کند. سپس با اسپرم شوهر موقت تلقیح انجام شده و بارداری صورت می‌گیرد. زن قصد دارد پس از پایان عقد موقت به زندگی قبلی خود بازگردد. در این فرض، ممکن است هیچ شناختی بین زن و صاحب اسپرم وجود نداشته و عقد موقت صرفاً به منظور جواز تلقیح و به مدت لازم برای آن منعقد شده باشد.

افزون بر این فرض دیگری نیز قابل طرح است؛ خانم مجردی - باکره یا غیر باکره - تصمیم به فرزندآوری دارد، اما خواهان ازدواج دائم نیست، می‌خواهد از طریق عقد موقت با صاحب اسپرم و انجام تلقیح مصنوعی شرعی، صاحب فرزند شود. پرسش این است وضعیت عده این گونه زنان چگونه است؟

۲-۱. عده زن در صورت پایان یافتن یا بخشیدن زمان عقد

در این فرض با توجه به دخول و عدم دخول و بارداری و عدم بارداری در اثر تلقیح مصنوعی، حالت‌های متعددی قابل تصور است، که هر کدام به صورت مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد.



۱-۲، عده زن مدخول بها در صورت پایان یافتن زمان عقد موقت

در ازدواج موقت، پس از پایان مدت عقد یا بذل مدت - بخشیدن زمان باقی مانده عقد از سوی مرد- زن مدخوله -زنی که با او نزدیکی صورت گرفته- در صورت عدم بارداری، باید دو حیض عده نگه دارد. صاحب جواهر (ره) می‌فرماید اگر زن در سن زنانی که حیض می‌بینند، باشد؛ اما حیض نبیند، به دلیل اجماع فقها و نصوص شرعی، عده وی ۴۵ روز است. (مغنیه، محمد جواد، ۱۴۰۰، ج ۶، ص: ۳۴) چنانچه این زن با دخول شوهر موقت خویش باردار شود، بنا بر احتیاط، عده وی ابعد اجلین - طولانی‌ترین زمان بین وضع حمل و دو حیض - می‌باشد. (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۱۳) ولی چنانچه چنین زنی، در عقد موقت باردار شود، به حکم آیه شریفه «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» وضع حمل می‌باشد. (مغنیه، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۳۴) چه این که آیه، مدت عده را در همه زنان باردار-خواه به عقد موقت یا دائم - وضع حمل آنان معرفی می‌کند.

با توجه به نکات یاد شده، در تبیین قانون کلی عده زنان در عقد موقت، این پرسش مطرح می‌شود اگر بارداری با دخول و مباشرت انجام نشود بلکه از طریق مصنوعی صورت گرفت، آیا مصنوعی بودن بارداری مانع از ثبوت عده است؟ چرا که در این صورت اگر چه شرط زوجیت موجود است ولی این بارداری عادی نیست و همراه با وطی صورت نگرفته است.

پاسخ این است که فرض یاد شده مشمول آیه «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» می‌باشد بنابراین عده به مدت وضع حمل ثابت می‌شود، افزون بر این ممکن است اطلاق «العده من الماء» نیز شامل این حالت شود؛ در نتیجه عده زن بر اساس طولانی‌ترین زمان از وضع حمل و عده طلاق تعیین می‌شود.

اما در فرض عدم بارداری، با توجه به وجود شرط دخول و زوجیت موقت، عده دو طهر برای این زن مدخول بها ثابت است و یکی دیگر از دلایلی که جداگانه می‌تواند مثبت عده باشد شمول عبارت «العده من الماء» نسبت به این زن خواهد بود چرا که تلقیح مصنوعی و انتقال اسپرم به رحم این زن موقت صورت گرفت، باید دانست که در صورتی که «ماء» بر اسپرم منتقل شده از طریق تلقیح مصنوعی صدق کند، با این دلیل نیز عده برای این زن ثابت می‌شود؛ در غیر این

صورت، عده‌ای نخواهد بود. به نظر می‌رسد اطلاقات این چنینی، موارد نوپدید خاصی را که در زمان صدور روایات وجود نداشتند، شامل نشده و از آن‌ها انصراف یا حداقل احتمال انصراف دارند چرا که کلام معصوم به مخاطب زمان خودش القاء شده و در آن مقام مخاطب ذهنها متوجه چنین مصادیق نادر و نوپیدی نبوده است، بنابراین، این دلیل مثبت عده نخواهد بود. اما آخرین دلیلی که می‌توان آن را مثبت عده دانست، آیه شریفه «وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» است. با این حال، ظهور این آیه در اثبات عده پس از طلاق برای زن دائم است. بنابراین، در نهایت، در چنین فرضی عده برای این زن، بدلیل ثبوت دخول ثابت خواهد بود.

۲-۱-۲، عده زن در صورت پایان عقد موقت و عدم دخول (بارداری یا غیر بارداری)

در تلقیح مصنوعی زن موقت، اگر بدون دخول لقاح انجام شود ولی زن حامله نشود چنین زنی عده ندارد چون از افراد آیه شریفه «ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ» می‌باشد، چرا که در ازدواج موقت، پایان عده یا بذل زمان توسط شوهر در حکم طلاق است.

اما این آیه با روایت «العده من الماء» تخصیص می‌خورد چرا که منظور آیه این است که هیچ ارتباط زناشویی و دخولی در کار نباشد و هیچ نوع آبی وارد رحم نشده باشد، اما در این فرض، با تلقیح مصنوعی اسپرم وارد رحم گردید و در واقع «الماء» صدق میکند و عده ثابت است لکن این اشکال باقی است که اطلاق روایت شامل این موارد خیلی خاص و نوظهور نشده و از این موارد منصرف است یا حداقل احتمال انصراف عرفی وجود دارد پس مثبت عده نبوده و عدم عده ثابت میشود.

فرض بعد این است که زن در ازدواج موقت، مدخول بها نباشد اما با تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر موقت باردار شود. در این حالت، شرط عدم دخول برای ثابت نشدن عده وجود دارد، اما از طرفی، شرط زوجیت و بارداری برای اثبات عده موجود است. از سوی دیگر، این بارداری از طریق دخول نبوده بلکه به شکل باروری پزشکی حاملگی رخ داده است؛ حال باید دید که آیا با وجود عدم دخول، صرف بارداری مصنوعی در زمان زوجیت موقت، عده وضع حمل



را اثبات می‌کند؟ یا اینکه فقط عده ازدواج موقت، یعنی دو طهر، ثابت است؟ یا اصلاً عده‌ای بر زن باردار از طریق تلقیح مصنوعی در نکاح موقت ثابت نمی‌شود؟

تصور تعارض ادله عده و عدم عده

در این فرض، در نگاه اولیه به نظر می‌رسد ادله ثبوت عده با ادله عدم ثبوت تعارض دارند. از جمله ادله ثبوت عده، اطلاق «اولات الاحمال» در آیه «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» و اطلاق «الماء» در صحیحہ «العده من الماء» (شیخ حر عاملی، ۱۱۰۴، ج ۱۵، ص ۴۰۳) و اطلاق «الحامل» در موثقہ جمیل بن دراج «طلاق الحامل واحده، فاذا وضعت ما فی بطنها فقد بانت منه» (همان، ج ۲۲، ص ۱۴۵) می‌باشد.

در مقابل، ادله عدم ثبوت عده برای زن غیرمدخول بها، آیه «ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ» (احزاب، آیه ۴۹) و روایاتی نظیر صحیحہ «اگر مرد زن را قبل از دخول طلاق دهد عده ندارد و می‌تواند در همان ساعت با او دوباره ازدواج نماید» (شیخ حر عاملی، ۱۱۰۴، ج ۲۲، ص ۱۷۶) می‌باشد.

نقد توهم تعارض ادله

در پاسخ گفته می‌شود که این دو دسته دلیل تعارضی ندارند؛ چرا که اطلاق ادله عدم ثبوت عده، شامل فرض بارداری نمی‌باشد، بلکه ادله ثبوت عده برای این فرض، عده را ثابت می‌کند. بنابراین، تعارض بدوی است و عده این زن ثابت می‌گردد.

همان گونه که پیش از این گذشت، این همان فرضی است که گاهی به عنوان راه حل برای برخی از ناباروری‌ها مطرح می‌شود: اگر خانواده‌ای با شوهر نابارور مواجه باشد، شوهر زن خود را طلاق دهد و پس از عده، زن با صاحب اسپرم عقد موقت جاری کند و پس از لقاح و بارداری و اتمام زمان عقد، به شوهر خود برگردد در این فرض ثبوت یا عدم ثبوت عده دارای آثار مهم روانی و اجتماعی است و این آثار گرچه اهمیت حکم مساله را روشن می‌کند لکن تأثیری در استدلال بر حکم ندارد. حال، اگر این زن باردار به دلیل عدم دخول، عده نداشته باشد، می‌تواند به سرعت

با شوهر قبلی خود ازدواج مجدد نماید و مدت زمان جدایی این زن و شوهر طولانی نخواهد بود. در نتیجه، عرف و فامیل‌های این خانواده متوجه عمل تلقیح نمی‌شوند و آبروی این زن و شوهر محفوظ می‌ماند، چنین تصور می‌شود که این فرزند از خود آنان است. البته روشن است که بر اساس ادله مثبت عده، چنین زنی، پس از تلقیح با اسپرم شوهر موقت تا وضع حمل صبر نماید، سپس با شوهر اولیه خود عقد جدیدی منعقد نماید.

۲-۲. عده زن در صورت وفات شوهر در ازدواج موقت

در ازدواج موقت با توجه به آیه "وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا" (بقره ۲۳۴) در صورت فوت شوهر موقت، عده زن همان عده وفات حالت عادی یعنی چهار ماه و ده روز است (چه مدخول بها باشد و چه نباشد)، به دلیل روایت امام باقر علیه السلام «هر نکاحی که زوج در آن فوت کند، بر زن، چه آزاد باشد چه کنیز، و به هر صورتی که نکاح بوده باشد - متعه، ازدواج دائم، یا ملک یمین - عده چهار ماه و ده روز است.» (فیض کاشانی، ۱۰۰۷، ج ۱ ص ۲۶۳). و اگر زن در دوران ازدواج موقت به صورت طبیعی باردار شد بدلیل آیه «و اولات الاحمال»، عده اش طولانی‌ترین زمان از وضع حمل و چهارماه و ده روز خواهد بود (مغنیه، محمد جواد، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۳۳).

ولی اگر در همین زمان ازدواج موقت از روش تلقیح مصنوعی باردار شد در صورت فوت شوهرش آیا عده اش همان عده وفات است یا باز هم ابعداجلین است؟ پاسخ این است که آیه «اولات الاحمال» مطلق است و شامل این گونه بارداری به روش نوین نیز خواهد شد، بنابراین عده این زن ابعداجلین است.

گفتار دوم: عده زن بارور از اسپرم یا جنین مرد اجنبی

عده زن باردار با اسپرم یا جنین اهدایی دارای صورت‌هایی مختلفی است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. عده زن مجرد گیرنده اسپرم یا جنین اهدایی

زن یا دختر مجرد ممکن است بدون ازدواج متقاضی بارداری بوسیله اسپرم مرد اجنبی باشد



در این صورت عده طلاق و وفات این زن نسبت به صاحب اسپرم قابل بررسی فقهی است.

۱-۱. عده طلاق زن مجرد گیرنده اسپرم یا جنین اهدایی

در فرض دریافت اهدایی اسپرم از مرد اجنبی یا جنین از خانواده اجنبی توسط زن مجرد، عده طلاق صاحب اسپرم منتفی است، زیرا اساساً زوجیتی وجود نداشته تا طلاق یا انقضاء نکاح مطرح شود. سؤال این است که آیا صرف حاملگی زن یا دختر مجرد بدون زوجیت و دخول، به دلیل اطلاق «زن حامله» بروی، موجب ثبوت عده می‌گردد؟ و در صورت ثبوت عده، آیا این زن یا دختر تا وضع حمل حق ازدواج با دیگری را ندارد؟

در شریعت اسلام، هر حملی مثبت عده نیست؛ به عنوان نمونه زن زناکار، علی‌رغم احتمال بارداری، عده ندارد، زیرا «آبِ زانی» فاقد حرمت شرعی برای اثبات عده است. با توجه به عدم جواز تلقیح مصنوعی در برخی مبانی فقهی، ممکن است «آب» ناشی از آن ملحق به «آبِ زنا» شود چرا که هر دو در حکم حرمت مشترک هستند. لذا، این مسئله منوط به بررسی حکم تکلیفی جواز یا عدم جواز تلقیح مصنوعی است. بنابراین باید بر اساس دو مبنا مورد تحقیق قرار گیرد:

الف. براساس مبنای حلیت اصل عمل

بر اساس مبنای حلیت، دلایلی برای اثبات عده وجود دارد؛ اول، اطلاق عبارت روایت «العده من الماء» (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۸۵) است. بعلاوه، از روایت زیر چنین استنباط می‌شود که دخول و ماء هر کدام به تنهایی می‌توانند سبب ثبوت عده گردند. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلَهُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً فَأَدْخَلَتْ عَلَيْهِ فَلَمْ يَمَسَّهَا وَلَمْ يَصِلْ إِلَيْهَا حَتَّى طَلَّقَهَا هَلْ عَلَيْهَا عِدَّةٌ مِنْهُ فَقَالَ إِنَّمَا الْعِدَّةُ مِنَ الْمَاءِ قِيلَ لَهُ فَإِنْ كَانَ وَقَعَهَا فِي الْفَرْجِ وَلَمْ يُنْزَلْ فَقَالَ إِذَا أَدْخَلَهُ وَجَبَ الْغُسْلُ وَالْمَهْرُ وَالْعِدَّةُ». (همان، ج ۶، ص ۱۱۰).

دوم: عبارت مشهور «لا حرمة لماء الزانی» (بیزدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶)، که در کلمات فقهاء (سبزواری، ۱۴۱۴، ج ۲۹، ص ۳۲۸) نیز مسلم و مفروض گرفته شده است، دلالت دارد بر اینکه

«الماء الحرام» - آبی که از هر روش و عمل حرامی حاصل شده باشد - فاقد حرمت شرعی بوده و عده بر آن مترتب نمی‌گردد. از این مفهوم مخالف استنباط می‌شود که «الماء الحلال» مطلقاً موجب عده است و شامل اسپرم مرد اجنبی در تلقیح مصنوعی جایز می‌گردد، زیرا در این صورت، آن ماء دارای حرمت بوده و عده بر ماء حلال و دارای حرمت، ثابت خواهد شد.

سوم: اطلاق آیه شریفه «وَأُولَئِ الْأَحْمَالِ» دلالت بر آن دارد که صرف تحقق حمل، موجب ثبوت عده می‌گردد. افزون بر ادله پیشین، این زن در حکم عدم ثبوت عده، ملحق به زانیه نمی‌باشد؛ زیرا بر مبنای جواز انتقال جنین و اسپرم، قاعده «لا حرمة لماء الزانی» در این فرض قابلیت استناد ندارد.

در مقام پاسخ به این سه دلیل می‌توان اذعان نمود که شرط زوجیت و رابطه زناشویی (دائم یا موقت) در این فرض منتفی است و شرط دخول نیز وجود ندارد. بنابراین، اطلاق در دلیل اول شامل این مورد نمی‌گردد؛ زیرا منظور از «ماء»، منصرف به غیر از مایع منتقل شده به رحم زن از طریق مصنوعی، بدون وقوع دخول و بدون وجود علقه زوجیت است. اگرچه پذیرفته شود که دخول و ماء هر کدام سببی مستقل برای عده باشند، لکن هر دو مبتنی بر وجود رابطه زوجیت می‌باشند.

علاوه بر این، مفهوم عبارت روایت نفی حرمت «ماء زانی»، در مقام انحصار عدم حرمت به آن نیست؛ بلکه سایر «ماء»ها نیز ممکن است فاقد حرمت باشند. آن سان که در مباحث مفاهیم علم اصول فقه مطرح می‌گردد، وصف، مفهوم ندارد. لذا، آب وارد شده از طریق تلقیح مصنوعی (حتی بنا بر نظر قائلین به جواز آن) نیز ممکن است فاقد حرمت شرعی بوده و موجب ثبوت عده نگردد.

همچنین، عده در عبارت «وَأُولَئِ الْأَحْمَالِ» نیز به قرینه آیه «إِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ...» (طلاق، آیه ۶) منوط به تحقق زوجیت و رابطه زناشویی است؛ زیرا انفاق مذکور در آیه نیز متفرع بر ثبوت عده و وجود علقه زوجیت می‌باشد.

بنابراین، با توجه به قابل مناقشه بودن ادله اثبات عده و عدم وجود دلیل اجتهادی قاطع

بر آن در فرض تلقیح مصنوعی زن مجرد، می‌توان با استناد به اصول عملی استصحاب عدم ازلی ثبوت عده یا برائت از لزوم آن، حکم به عدم عده برای چنین زنی صادر نمود و بارداری از این طریق را در حکم عده مؤثر ندانست.

ب. براساس دیدگاه عدم جواز تلقیح مصنوعی در فرض مورد نظر

بنا بر مبنای عدم جواز تلقیح مصنوعی، اسپرم منتقل شده به رحم زن مجرد، ممکن است ملحق و در حکم «ماء الزنا» تلقی می‌گردد. همان‌گونه که به دلیل قاعده «لا حرمة لماء الزانی» عده بر زن باردار ناشی از زنا ثابت نمی‌شود، در این فرض تلقیح مصنوعی نیز، به دلیل حرمت شرعی (براساس این مبنا)، عده‌ای ثابت نخواهد بود. شایان ذکر است که در خصوص عده زن زناکار غیرباردار، بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد. ر.ک: یزدی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۵۳۳.

در مقام نقد به استدلال فوق گفته می‌شود تنظیم حکم عده در تلقیح مصنوعی حرام با حکم عده در زنا حرام، محل مناقشه است؛ زیرا عدم احترام و عدم ثبوت عده در زنا، مبتنی بر حرمت قطعی عمل زنا و «ماء» ناشی از آن است که ادله محکمی بر آن دلالت دارد. این در حالی است که حرمت عمل تلقیح مصنوعی و شمول ادله حرمت زنا نسبت به آن، محل اختلاف فقهاء است. بنابراین، در فرض عدم جواز تلقیح مصنوعی زن مجرد با اسپرم اجنبی، الحاق آن به حکم زناکار در عدم ثبوت عده، فاقد دلیل قابل اطمینان است.

افزون بر این ممکن است استدلال شود که این زن مجرد باردار از اسپرم اجنبی، به زن «موطوئه به شبهه» ملحق شده و لذا برای وی عده ثابت می‌گردد، خواه زن موطوئه دارای همسر باشد یا فاقد آن (خمینی، سید روح الله، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۷۱). واضح است که عده وطی به شبهه، همانند عده طلاق، به تعداد حیض و در صورت بارداری، وضع حمل است (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۷۰). به عبارت دیگر، مدت عده آمیزش اشتباهی، مشابه عده طلاق است (همان، ص ۳۴۴).

لکن در پاسخ به این احتمال می‌توان گفت که در این فرض، وطیی صورت نگرفته و عنوان شبهه نیز بر آن صدق نمی‌کند؛ صرفاً از حیث وجود حمل، مشابهت وجود دارد. بنابراین، ادله

اثبات عده وضع حمل برای وطی به شبهه، این مورد را شامل نمی‌شود. نتیجه نهایی آنکه، بنا بر آنچه پیش‌تر ذکر شد، زن یا دختر مجرد باردار از اسپرم مرد اجنبی، چه بر مبنای جواز و چه بر مبنای منع تلقیح مصنوعی، مشمول ادله لزوم عده نمی‌شود و می‌تواند بلافاصله با شخص دیگری ازدواج نماید.

۱-۲. عده زن مجرد در صورت وفات صاحب اسپرم

در خصوص عده وفات زن مجردی که اسپرم یا جنین اهدایی دریافت کرده است، در صورت فوت صاحب اسپرم، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا این زن باردار ملزم به نگه داشتن عده بوده و حق ازدواج با شخص دیگری را تا پایان آن ندارد؟

پاسخ آن است که عده وفات فقهی در این مورد منتفی است؛ زیرا این نوع عده، فرع بر وجود رابطه زوجیت است و در فرض اهدای اسپرم یا جنین به زن مجرد، چنین رابطه‌ای وجود ندارد. همچنین، عده وضع حمل نیز در صورت بارداری این زن ثابت نمی‌شود؛ زیرا عده وضع حمل پس از وفات زوج، نه صرفاً ناشی از بارداری، بلکه متفرع بر فوت شوهر و توأمان بودن آن با بارداری است، و حال آنکه در این فرض، زوجیتی وجود ندارد.

به همین منوال، در مورد وطی به شبهه نیز تصریح شده است که در صورت فوت واطی به شبهه، زن نیازی به نگه داشتن عده وفات ندارد؛ زیرا آن زن، زوجه محسوب نمی‌شود و مشمول آیه شریفه «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا» (بقره، ۲۳۴) نمی‌گردد (مغویه، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۳۷). این استدلال به صورت کامل در مورد فرض مورد بحث نیز جاری است و زن مجرد باردار از اسپرم اجنبی، عده وفات نخواهد داشت.

این مسئله، بنا بر نظر فقیهان قائل به جواز یا عدم جواز تلقیح مصنوعی با اسپرم یا جنین اجنبی، تفاوتی نمی‌کند؛ زیرا حلیت یا حرمت لقاح و انتقال جنین یا اسپرم، تأثیری در تحقق یا عدم تحقق سبب عده در بحث عده وفات ندارد.

۲. عده زن شوهردار گیرنده اسپرم یا جنین اهدایی

از منظر فقهی، ثبوت یا عدم ثبوت عده برای زن شوهرداری که به دلیل ضعف اسپرم



همسرش باردار نمی‌شود و با استفاده از اسپرم اجنبی (در فرض بارداری و عدم بارداری) تلقیح مصنوعی انجام می‌دهد، در حالی که زندگی زناشویی با همسرش ادامه دارد و طلاق یا فوت همسر رخ نداده است، موضوع بحث است. در این وضعیت که زوجیت همچنان برقرار است، طرح مسئله عده، که معمولاً پس از انحلال نکاح (طلاق یا وفات) مطرح می‌شود، از اساس فاقد موضوع به نظر می‌رسد. زیرا سبب شرعی برای وجوب عده در این فرض موجود نیست.

۲-۱. عده زن بدون طلاق و فوت شوهر

در بررسی عده چنین زنی، بحث پیرامون این است که آیا در اثر انتقال اسپرم یا جنین اجنبی به رحم وی، عده‌ای در مقابل شوهر شرعی‌اش ثابت می‌شود یا خیر. نخستین پرسش آن است که آیا داشتن شوهر با عده گرفتن در حین زوجیت قابل جمع است؟ (اساساً، معنای عده نگه داشتن نسبت به شوهر شرعی خود چیست؟) در پاسخ گفته می‌شود که زن در ایام عده، حق ازدواج با مردان دیگر را ندارد. اما نگه داشتن عده در مقابل شوهر خود به این معناست که شوهرش حق نزدیکی (وطی) یا حق نزدیکی و سایر استمتاعات جنسی را نیز نخواهد داشت (سیستانی، ۲۰۰۴، ص ۳۸۶).

در خصوص ثبوت یا عدم ثبوت عده این زن نسبت به شوهرش، چنین استدلال می‌شود که وی به دلیل انتقال اسپرم اجنبی به رحم خود، عده‌ای ندارد؛ زیرا نه رابطه زوجیتی میان او و مرد اجنبی وجود دارد و نه دخولی از جانب او صورت گرفته است. بنابراین، در صورت بارداری از اسپرم مرد اجنبی - چه بر مبنای جواز و چه بر مبنای عدم جواز انتقال اسپرم یا جنین - عده او وضع حمل نخواهد بود، بلکه مشمول عمومات مربوط به حقوق زوجین، مانند آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ...» (بقره، آیه ۲۲۳) در ارتباط با شوهرش می‌باشد. همچنین، عموم آیه «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق، آیه ۴) شامل حال وی نمی‌شود؛ زیرا به قرینه دو آیه بعد، در این آیه، حمل ناشی از زوجیت مورد نظر است.

همین طور در صورت عدم حمل نیز دلیلی برای ثبوت عده در کار نیست گرچه برخی قائل به احتیاط شدند که زن شوهردار گیرنده اسپرم یا جنین اجنبی، نسبت به شوهر خویش عده

ندارد و شوهر حق وطی و استمتاع دارد ولی احتیاط در عدم دخول و عدم استمتاع است (ناظم زاده، ۱۴۰۱، ص ۲۹۴).

در مقابل دیدگاه عدم ثبوت عده، برای اثبات عده و عدم جواز مباشرت و سایر استمتاعات شوهر، می‌توان به اطلاق ادله‌ای نظیر «العده من الماء» تمسک نمود؛ زیرا این روایت، اگر چه در مورد «آب» شوهر زن می‌باشد ولی شامل آب و اسپرم اجنبی نیز می‌شود، در همین زمینه نیز برخی معتقدند که این اطلاق صرفاً عدم جواز وطی را برای شوهر ثابت می‌کند و نمی‌تواند عدم جواز دیگر استمتاعات را اثبات نماید، با این حال، همین نظر نیز اصل عده را ثابت می‌داند، هر چند در جزئیات و برخی مصادیق آن تردید وجود دارد (سیستانی، ۲۰۰۴، ص ۳۹۲). مؤید این نظریه ثبوت عده، روایات منع‌کننده از وطی کنیز حامله خریداری‌شده، قبل از وضع حمل می‌باشد (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۵۵ و ج ۱۴، ص ۵۰۷ و ج ۱۴، ص ۵۰۶؛ کلینی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۴۷۵؛ طوسی، ۴۶۰، ج ۷، ص ۴۶۸).

۲-۲. عده طلاق شوهر

در همین فرض، چنانچه زن مدخول بها که از طریق تلقیح مصنوعی با نطفه مرد اجنبی باردار شده، توسط شوهرش طلاق داده شود، در تعیین عده او دو احتمال مطرح است: نخست، عده وی وضع حمل باشد؛ به دلیل اطلاق عنوان و سبب حمل، بدون در نظر گرفتن هویت صاحب اسپرم یا جنین. دوم، عده او همان سه طهر باشد؛ به این استناد که نسبت به صاحب اسپرم (مسبب حمل)، علقه زوجیت نداشته و دخولی هم صورت نگرفته است.

محقق خویی (ره) بر این باور است که در فرضی که زنی شوهردار با اسپرم مرد اجنبی باردار شود، چنانچه پس از تلقیح مطلقه گردد، ملزم به نگهداری عده طلاق خواهد بود. اما ایشان معتقدند اگر عده طلاق بر او ثابت نباشد، در این صورت، به جهت تلقیح مصنوعی، باید عده نگه دارد. (خویی، ۱۴۱۳ ه. ق، ج ۲، ص ۳۹۷).

برخی محققان با اطلاق کلام مرحوم محقق خویی مخالفت نموده و قائل به تفصیل شده‌اند. ایشان با تفکیک بین جواز یا عدم جواز تلقیح مصنوعی با اسپرم اجنبی، چنین



استدلال می‌کنند: از جمله ادله‌ای که بر عدم جواز تلقیح مصنوعی با اسپرم اجنبی اقامه می‌شود، ادله حرمت زنا است. چرا که یکی از وجوه حرمت زنا، اختلاط نطفه‌ها است. از آن جایی که در تلقیح مصنوعی با اسپرم اجنبی نیز اختلاط نطفه‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین، نگهداری عده لازم است و این زن مطلقه، هم به سبب طلاق همسرش و هم به سبب حمل حاصل از اسپرم اجنبی، باید عده نگه دارد. (بحرانی سند، ۱۴۲۳ ه.ق، ص ۷۶).

در مقابل دو نظریه پیشین، برخی، علی‌رغم اعتقاد به منع جواز تلقیح با اسپرم اجنبی، در فرض بارداری زن مطلقه از این طریق، قائل به عدم ثبوت عده ناشی از حمل هستند. این دسته معتقدند که در صورت وقوع طلاق، زن مکلف به نگهداری همان عده طلاق است که از سوی همسرش بر او ثابت شده است. بر این اساس، پس از انقضای عده طلاق، حتی اگر زن همچنان باردار باشد، همسر سابق او می‌تواند دوباره با وی ازدواج نماید. با این حال، این گروه احتیاط را در عدم نزدیکی (وطی) و عدم بهره‌مندی جنسی (استمتاع) تا زمان وضع حمل می‌دانند (ناظم‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۲۹۳).

اثبات عده برای زن باردار از تلقیح مصنوعی با اسپرم اجنبی مبتنی بر اطلاق «العده من الماء» و آیه شریفه «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق: ۴) و دیگر عمومات ادله مربوط به عده است که پیش‌تر در این نوشتار ذکر شده‌اند.

دلیل عدم ثبوت عده در این وضعیت خاص آن است که اطلاقات مذکور شامل حالت تلقیح مصنوعی با اسپرم اجنبی نمی‌شود. افزون بر این، بنا بر مبنای عدم جواز انتقال این اسپرم و جنین، این فرض ملحق به حکم «ماء الزانی» است که عده‌ای برای آن ثابت نیست.

در نقد و بررسی استدلال یاد شده به نظر می‌رسد عنوان «ماء الزانی» به عمل زنا اختصاص دارد و نمی‌توان آن را به هر عمل حرامی که طی آن «ماء الرجل» وارد رحم شود، تسری داد. از طرفی، اطلاقات ادله ثبوت عده، انتقال یک عدد اسپرم به روش مصنوعی را به طور واضح شامل نمی‌شود.

حاصل آن که در مواردی که ادله نقلی از اثبات یا نفی وجوب عده در فرض بارداری زن مطلقه از طریق تلقیح مصنوعی با اسپرم اجنبی قاصراند، مقتضای اصل عملی برائت، عدم

ثبوت عده‌ای زائد بر عده طلاق برای زن است. بنابراین، زن مطلقه در این وضعیت، تنها ملزم به رعایت عده طلاق بوده و پس از انقضای آن، می‌تواند مبادرت به ازدواج مجدد نماید و لزومی به صبر تا زمان وضع حمل نخواهد داشت.

۲-۳. عده وفات شوهر

پرسش مطرح شده در مورد عده وفات زن حامله از اسپرم غیر به این صورت قابل بررسی است: آیا مدت عده این زن در صورت فوت شوهرش، چهار ماه و ده روز است (مطابق حکم عده وفات)، یا اینکه عده او بر اساس «ابعد الاجلین» تعیین می‌شود (یعنی طولانی‌ترین مدت بین عده وفات و عده وضع حمل)، فارغ از اینکه زن مدخول بها از شوهر خود باشد یا نباشد؟ اگر گفته شود که آیه «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ» دارای اطلاق است و عده زن حامله، صرفاً وضع حمل است، پاسخ داده می‌شود که این عده مربوط به زن و شوهری است که بارداری از نطفه خود شوهر باشد؛ به عبارت دیگر، عده وضع حمل تنها در صورت وجود عقد نکاح معتبر است. آیه ۶ همین سوره: «إِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» قرینه‌ای بر همین نکته است، زیرا انفاق تا زمان وضع حمل و ترتب عده بر آن، متفرع بر وجود زوجیت است.

در فرض مورد نظر، اگرچه عقد و شوهر وجود دارد، اما بارداری از شوهر نیست و نسبت به صاحب اسپرم، نه عقدی وجود دارد و نه دخولی صورت گرفته است. بنابراین، اطلاق آیه شامل چنین موردی نمی‌شود. در نتیجه، نسبت به صاحب اسپرم، عده‌ای وجود ندارد، اما عده وفات شوهر برای این زن ثابت است و باید رعایت شود.

عده زن باردار صاحب رحم اجاره‌ای یا تخمک اهدایی

یکی دیگر از فروض بارداری با اسپرم مرد اجنبی، حالتی است که جنین از ترکیب اسپرم مرد و تخمک همسر او در آزمایشگاه تشکیل شده و سپس به رحم اجاره‌ای منتقل شود. در مورد عده زن صاحب رحم اجاره‌ای، به نظر می‌رسد که این زن عده‌ای ندارد، زیرا فرزند در رحم او





به صورت عاریه‌ای قرار گرفته و از تخمک وی نیست. بنابراین، عبارت «أولاً الأحمال» و مفاهیمی همچون «الماء» و تحقق دخول، در مورد او صادق نیست.

از این رو، زن صاحب رحم اجاره‌ای، مادر فقهی این فرزند محسوب نمی‌شود و بارداری او، در حقیقت، مانند وجود یک غده در رحم است که از لحاظ فقهی موجب ترتب عده نمی‌شود. در صورتی که زن، گیرنده تخمک اهدایی باشد و اسپرم شوهرش با تخمک اهدایی تلقیح شده و به رحم او منتقل گردد، در همه فروض - وقوع دخول یا عدم آن، فرض بارداری یا عدم بارداری، وضعیت زوجیت؛ اعم از دائم یا موقت - ثبوت عده و مدت زمان آن همانند شرایط تلقیح مصنوعی از شوهر در حالت عادی خواهد بود. دریافت تخمک از زن دیگر، در زمان عده زن گیرنده تأثیری نخواهد داشت، زیرا عناوین و شرایطی که موجب ثبوت عده می‌شوند (مانند دخول، بارداری، خروج منی و غیره) ارتباطی به منبع تخمک (از خود زن یا دیگری) ندارند. در حالت دیگر، اگر زن مجردی تخمک را از زن دیگری دریافت کند و اسپرم نیز از مرد دیگری گرفته شود، چه این مرد شوهر زن صاحب تخمک اهدایی باشد یا مرد و زن اجنبی هیچ نسبتی با یکدیگر نداشته باشند، حکم عده همان است که در فرض زن مجرد گیرنده اسپرم یا جنین اهدایی مورد پژوهش قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

بررسی فقهی تلقیح مصنوعی، به ویژه در شرایط عدم وجود دخول یا زوجیت، پیچیدگی‌های متعددی را در تعیین عده ایجاد می‌کند. با تحلیل ادله و رفع تعارضات، می‌توان به یافته‌های ذیل دست یافت:

۱. **زوجیت و دخول:** در مواردی که زوجیت و دخول ثابت باشد، اصل عده طلاق و وفات ثابت است و مدت آن تابع نوع نکاح (دائم یا موقت) است.
۲. **زوجیت بدون دخول و بارداری:** در صورت وجود زوجیت اما عدم دخول و بارداری، عده با توجه به انصراف ادله از تلقیح مصنوعی، منتفی است. اگرچه زوجیت و دخول ثابت باشد و بارداری رخ ندهد، عده سه طهر ثابت است.

۳. **زوجیت و بارداری:** در تمامی موارد بارداری حاصل از تلقیح مصنوعی با وجود زوجیت (دائم یا موقت)، عده همانند بارداری طبیعی و تا زمان وضع حمل است.

۴. **عدم زوجیت:** در صورت تلقیح مصنوعی با اسپرم اجنبی بدون وجود زوجیت، عده‌ای ثابت نمی‌شود، چه بارداری رخ دهد و چه ندهد. در مورد زنی که با اسپرم اجنبی تلقیح می‌شود، حتی در صورت بارداری، عده‌ای برای او ثابت نیست. در این حالت، در دوران بارداری، شوهرش می‌تواند با او ارتباط داشته باشد و عده وفات، همان عده وفات شوهر است.

۵. **اجاره رحم:** برای زن باردار اجاره‌دهنده رحم که صاحب تخمک نیست، عده‌ای وجود ندارد. اما برای زنی که از جنین حاصل از تخمک اهدایی و اسپرم شوهرش باردار می‌شود، عده حمل ثابت است.

این پژوهش نشان می‌دهد که در فقه، ملاک اصلی برای تعیین عده، وجود یا عدم وجود زوجیت، دخول و بارداری است و نوع تلقیح مصنوعی (با اسپرم شوهر یا اجنبی) تأثیر مستقیمی بر آن دارد.



منابع و مآخذ

*قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

۱. تبریزی، جواد بن علی تبریزی، میرزا جواد تبریزی، **منهاج الصالحین، المعاملات**، قم، دار الصدیقه الشهیده، ۱۳۸۲ش.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، قم، ۱۴۰۹ق، مؤسسه آل البيت.
۳. حلی، مقداد بن عبد الله، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، چاپ اول، قم، مرتضوی، ۱۴۲۵ق.
۴. خمینی، سید روح الله، **تحریر الوسیله**، چاپ اول، قم، دار العلم.
۵. خمینی، سید روح الله، چاپ اول، **موسوعة الامام الخمينی**، چاپ اول، قم، دار العلم، ج ۲۳.
۶. خمینی، سید روح الله، **موسوعة الامام الخمينی**، چاپ اول ۱۳۸۱، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. خویی، سید ابوالقاسم، **فقه الاعذار الشرعیة والمسائل الطبیة**، چاپ اول، قم، دار الصدیقه الشهیده، ۱۴۲۷ق.
۸. خویی، سید ابوالقاسم، **منهاج الصالحین**، چاپ ۲۸، قم، مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.
۹. خویی، سید ابو القاسم موسوی، **صراط النجاة (المحشی)**، چاپ اول، قم- ایران، مکتب نشر المنتخب، ۱۴۱۶ ه ق.
۱۰. سبزواری، سید عبد الاعلی، **مهذب الاحکام**، چاپ چهارم، قم، المنار، ۱۴۱۳ق.
۱۱. السند البحرانی، محمد، **فقه الطب**، موسسه ام القرى، عربی، بیروت لبنان ۱۴۲۳ق.
۱۲. سیستانی، سید محمد رضا، **وسائل الانجاب الصناعیة**، چاپ اول، بیروت، دار المؤرخ العربی، ۲۰۰۴م.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین عاملی، **الروضة البهیة**، چاپ اول، قم، داوری، ۱۴۱۰ق.
۱۴. شهید ثانی، زین الدین عاملی، **مسالك الافهام**، چاپ اول، قم، موسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.

۱۵. طوسی، محمد بن حسن، ۴۶۰ ق، **المبسوط فی فقه الامامیة**، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷ ق.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، ۴۶۰ ق، **تهذیب الاحکام**، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. قاسمی، محمد علی، **استفتائات فقه پزشکی**، چاپ اول ۱۳۹۸، قم، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق،
۱۹. محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ ق، **شرائع الاسلام**، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز احیای آثار اسلامی، ۱۳۹۴
۲۰. مغنیه، محمد جواد، **فقه الإمام الصادق علیه السلام**، چاپ دوم، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ ه ق
۲۱. ناظم زاده، سید اصغر، ۱۴۰۱ **تلخیص مصنوعی**، چاپ اول، قم، انتشارات بوستان کتاب
۲۲. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. یزدی، سید محمد کاظم، **العروة الوثقی (المحشی)**، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.

